

## علت رویش شجره‌ای از «یقطین» کنار بدن یونس نبی(ع)

حمیدرضا یونسی\*: کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث-دانشگاه قم  
مرتضی یوسف‌زادی: استادیار، گروه زیست‌شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه هرمزگان

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم  
سال دوم، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۵۳-۶۴  
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۶/۱۲

### چکیده

در این پژوهش معنای دقیقی از واژه یقطین، موقعیت جغرافیایی یونس نبی(ع)، بیماری‌های عارض شده بر وی و تأثیرات دارویی گیاه یقطین بر این امراض بررسی شده است. کلمه یقطین نام خانواده‌ای از گیاهان به نام کدوبن است که خواص دارویی قابل توجهی دارد و با توجه به بیماری‌های عارض شده بر یونس نبی(ع) که عبارتند از: تحلیل عضلات، ریزش مو و از بین رفتن پوست، تأثیرات آن گیاه بر روی چنین امراضی مورد توجه قرار گرفته است. از میان خانواده این گیاه، کدوی قلیانی بیشترین تأثیر همخوانی را با این امراض دارد. علاوه بر این موقعیت جغرافیایی یونس نبی(ع)؛ یعنی ساحل یافا در دریای مدیترانه نیز مؤید تأثیرات دارویی همین گیاه است.

**کلید واژه‌ها:** یقطین، یونس، کدوبن، کدوی قلیانی

## مقدمه

از صدر اسلام تا کنون برخی از آیات قرآن کریم همیشه در بحث علوم تجربی سؤال برانگیز بوده است؛ برخی از این آیات بطور کلی مانند: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/ ۸۹) «مَا فَزَّلْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام/ ۳۸) و بعضی بطور خاص مثل: «فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ» (بقره/ ۲۹) مدار بحث‌های فراوانی قرار گرفته و هر کس با نگاه و ظرف وجودی خود به این آیات توجه کرده است.

این پژوهش با فرض توقیفی بودن مفردات قرآن کریم انجام پذیرفته است؛ توقیفی بودن مفردات قرآن؛ بدان معناست که کلمات در قرآن هر کدام معنای خاص خود را دارند و با جایگزین کردن مترادفی برای آن، نمی‌توان به معنا، مفهوم و مراد شارح دست‌یافت.

با التزام به این قاعده بایستی تبیین این مفردات نیز از سوی معلمان اصلی این کتاب مبین؛ یعنی رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) صورت پذیرد، ولی باید توجه داشت که این قاعده بیشتر در مباحث معرفتی حائز اهمیت است و عدول از آن اسباب انحراف از صراط مستقیم را به دنبال خواهد داشت، اما در پژوهش حاضر واژه ای قرآنی به بحث گذاشته می‌شود که در ظاهر امر و با استناد به شواهد و قرائن بیشتر به امور مادی و تجربی توجه دارد.

## طرح مسئله

موضوع مورد بحث به واژه «یقطین» در آیه شریفه «وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ» (صافات/ ۱۴۶) باز می‌گردد و با توجه به قاعده توقیفی بودن مفردات قرآن کریم این پژوهش در پی علت رویش این گیاه بر بالین یونس نبی (ع) است. این پژوهش با نگاهی میان رشته‌ای به دنبال پاسخ دادن به یک سؤال اصلی است و آن این است که گیاه یقطین که بر سر یونس پیامبر (ع) رویانیده شده بود چه ارتباط درمانی و دارویی با بیماری که بر اثر حضور در شکم ماهی بر این پیامبر (ع) عارض شده بود، دارد؟ برای به نتیجه رساندن این تحقیق می‌بایست در چند حوزه از علوم تجربی و انسانی و اسلامی وارد شد که این علوم عبارتند از: لغت‌شناسی، تفسیر، حدیث، ترجمه، جغرافیا و زیست‌شناسی. در بخش لغت‌شناسی این مسئله مورد کنکاش است که این واژه در متون لغوی به چه معنایی بکار رفته و در اصل کدامیک از گیاهان می‌تواند عنوان یقطین را به خود اختصاص دهد.

در متون تفسیری و حدیثی نیز به عنوان منابع اصیل اسلامی علاوه بر جستجو در معنای یقطین که به نوعی تکمیل‌کننده مسئله لغت‌شناسی است، این مسئله دنبال می‌شود که عارضه‌ای که بر یونس پیامبر (ع) حاصل شد چه بود و رویش یقطین بر جسم بیمار چه تأثیر دارویی داشته

است؟ و همچنین منطقه‌ای که این وقایع برای یونس پیامبر (ع) اتفاق افتاده است کدام نقطه از جهان بوده است؟ در بخش جغرافیایی نیز با استناد به نقشه‌هایی که از موقعیت حضرت یونس (ع) تهیه شده است قوی‌ترین احتمال در مکان حضور ایشان مورد توجه قرار می‌گیرد و اهمیت این قضیه برای تشخیص پوشش گیاهی مورد نظر آن منطقه است. تمامی این مسائل مقدمه‌ای برای تشخیص خاصیت دارویی این گیاه بوده که در پایان در بخش گیاه‌شناسی به آن پرداخته خواهد شد.

## ضرورت و اهمیت موضوع

اهمیت و ضرورت این مقاله در چند زمینه حائز اهمیت است:

۱. اثبات یکی از موارد اعجاز علمی در قرآن کریم
۲. توجه به خاصیت دارویی یقطین و بهره‌مندی از این گیاه در طب سنتی و مدرن
۳. معین شدن نوع گیاه یقطین و جلوگیری از ترجمه‌های متعدد در قرآن کریم

## الف. تعیین نوع گیاه، خواص دارویی، بیماری یونس (ع)، موقعیت جغرافیایی

معانی «یقطین»

همانطور که بیان شد مسئله مورد بحث و واژه یقطین در آیات شریفه «فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ» (صافات/ ۱۴۵ و ۱۴۶) آمده است در معنای این واژه در کتب لغت معانی مختلفی برای آن بکار رفته است که برای رسیدن به معنای اصلی به بررسی این معانی در کتب لغت اهتمام می‌شود.

این منظور در لسان العرب برای بررسی واژه یقطین اینگونه به بحث نشست است که «مراد از یقطین در آیه چنانکه گفته‌اند کدو است. درخت و بوته کدو در زمین پهن شده و دارای برگ‌های گرد و بزرگ است... (در واقع) یقطین گیاهی است که ساق ندارد؛ مثل بوته حنظل و خیار، ولی در عرف برای کدوی گرد؛ مانند خربوزه بکار رود. آیه درباره یونس (ع) است چون از شکم ماهی به زمین افتاد در سایه برگ‌های کدو استراحت کرد و گرنه آفتاب او را می‌سوزاند.» [۱]

فرهنگ ابجدی نیز تقریباً با همان مضامین یاد شده در عبارت فوق به واژه مورد بحث پرداخته و آورده است: «وَالْيَقْطِينُ: كل شجر لا يقوم على ساق نحو الدَّبَّاءِ وَالْقَرْعِ وَالْبَطِيخِ وَالْحَنْظَلِ، هر درختی که ساق ندارد؛ مانند کدوبن، خربزه و هندوانه ابوجهل.» [۲]

در تحقیق نیز شرحی مفصل از این واژه ارائه شده است با این عبارت که «أَنَّ الْكَلِمَةَ مَأْخُودَةٌ مِنَ اللَّغَةِ الْعِبْرِيَّةِ أَوْ مَا يَشَابِهَا، وَهِيَ مَعْرَبَةٌ، وَتَعَدُّ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ وَتَسْتَعْمَلُ

وی سایه افکند...» [۷] در ترجمه کتاب مقدس که از زبان های عبرانی، کلدانی و یونانی توسط انجمن کتاب مقدس بازگردان شده است نیز از واژه کدو برای این گیاه استفاد شده.

همانطور که مشاهده شد واژه یقطین بر گیاهانی؛ چون کدو، خیار، موز، انجیر و هندوانه ابوجهل حمل شده است، اما به طور غالب به گیاهی اشاره شده که ساقه نداشته و در روی زمین پهن می شود و در بین این دسته نیز بیشتر بر گیاهی از خانواده کدو اشاره شده است و ما نیز اصل را کدو بودن این گیاه قرار می دهیم و تحقیق را با محوریت این گیاه پی می گیریم، چنانکه در پایان نیز این قضیه به اثبات می رسد.

### بررسی خواص دارویی یقطین و بیماری یونس(ع)

در کتب لغت و متون اسلامی به بیماری یونس نبی(ع) و همچنین خواص دارویی گیاه یقطین اشاره شده است، از جمله در احیاء التذکره می خوانیم: «و طبیح القرع سهل الهضم یناسب ضعف المعدة و الناقهین من الأمراض الشدیدة؛ کدوی پخته شده، سهل الهضم بوده و برای کسانی که معده ضعیف دارند و کسانی که دوران نقاهت از بیماری‌های شدید را می گذرانند مفید است.» [۸]

در تحقیق نیز به مواردی از این دست اشاره شده است: «و اما خصوصیه یقطین من بین سائر الأشجار: فان أوراقه عریضه کبیره یمکن أن یستفاد منها فی مقام الستر و اللبس. و ثمره ملین و منقی و سهل الهضم و مقوی لضعاف المعدة و الناقهین، و هو ینمو کثیرا و یثمر وافر و لا سیما فی مکان یقرب من الماء و الشمس؛ خصوصیات یقطین نسبت به سایر درختان عبارت است از: دارای برگ‌های پهن بوده که می توان برای پوشش و لباس از آن بهره برد. از خواص این گیاه نیز نرم کنندگی، پاک کنندگی، سهل الهضم بودن، تقویت کننده ضعف معده و مورد استفاده برای دوران نقاهت بیماران است، گیاهی است که زیاد رشد کرده و بسیار میوه می‌دهد و اکثراً در نزدیکی آب و جای آفتابی رویش می‌کند.» [۳]

علامه مغنیه در ذیل این آیه آورده است «فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَ هُوَ سَقِيمٌ وَ أَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ یَقْطِینِ قَالُوا: خرج من بطن الحوت کالفرخ الممتعت فی فلاة لا أنیس فیها و لا حسیس، فأنبت الله علیه شجرة من یقطین یستظل بها؛ هنگامی که از شکم ماهی خارج شد همچون جوجه‌ای بی‌پر بود که در صحرایی بی هیچ همدم و صدایی افکنده شد و خداوند متعال برای آنکه سایه‌ای بر رویش بیاندازد درختی از یقطین برایش رویاند.» [۹]

همچنین در تفسیر روان جاوید می خوانیم: «...بر سر او

فی ألسنتهم فصیحة، و معناها: کل ما لا ساق له من النباتات و یفترش علی وجه الأرض، و غلب استعماله علی القرع بأقسامه و أنواعه؛ این کلمه از لغات عبری یا شبیه به آن گرفته شده و معرب است که به لغت عرب برگردان شده است و در گفتارهای فصیح عرب استعمال می شود و عبارت است از: آن دسته از گیاهانی که ساقه نداشته و بر روی زمین گسترده می‌شوند و غالباً برای کدوین و انواع و اقسام آن استفاده می‌شود.» [۳]

صاحب مجمع البحرین: «(قطن) قوله تعالی وَ أَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ یَقْطِینِ: وزنه یفعلیل، و هی کل شجرة علی وجه الأرض لا تقوم علی ساق، کالقرع و نحوها، و إن غلب فی العرف علی الدباء. و قیل هو التین. و قیل شجرة الموز» [۴] پس همانطور که در کتب لغت عنوان شده بیشتر این واژه به کدوین معنا می شود که یک خانواده گیاهی است، البته به موارد دیگری چون، خربزه، موز، زیتون و هندوانه ابوجهل نیز اشاره شده است که برای نزدیک شدن به معنای اصلی به کتب تفسیری و احادیث می پردازیم تا مشخص شود در این متون اسلامی چه معنایی برای واژه یقطین استفاده شده است.

صاحب بیان السعادة در این باره آورده است: «فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ ای المکان الخالی عما یغطیه من شجر أو نبت أو بناء أو جبل وَ هُوَ سَقِيمٌ وَ أَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ یَقْطِینِ... لیس لها ساق کذا قیل: و قیل: المراد الدباء «الدباء بالضم و المد القرع الواحد دباء و یقال له بالفارسیة: کدو؛ او را در نقطه‌ای که خالی از درخت، گیاه، ساختمان و کوهی بود، بی‌افکندیم و درختی از یقطین بر رویش رویانیدیم... یقطین گیاهی است که ساقه ندارد و گفته شده است مراد از آن کدوین است.» [۵]

همچنین در حدیثی آمده است که از حضرت رسول اکرم(ص) پرسیدند: یا رسول الله(ص) چرا کدو را بسیار دوست می‌داری، فرمود: به آن جهت که درخت برادر من، یونس است، و بدان که یقطین بر وزن یفعلیل است و مشتق است از قطن بالمکان اذا قام به و آن هر شجره‌ای است که بر روی زمین منبسط شود و او را ساق نباشد و اکثر استعمال آن در درخت کدو است و بعضی گفته‌اند که آن درخت انجیر بود و برخی دیگر بر آنند که درخت مورد بوده که یونس به برکت آن درخت خود را می پوشانید و در سایه‌های شاخ آن می نشست و میوه آن را می خورد و اما اکثر و اشر آن درخت کدو است. [۶]

در کتاب مقدس نیز با تفاوت هایی داستان یونس(ع) عنوان شده که از مجال این بحث خارج است اما به نکاتی که مورد توجه این تحقیق است اشاره ای می شود: «و یهوه خدا کدوئی رویانید و آن را بالای یونس نمو داد تا بر سر

معانی را می‌رساند:

۱. «عن معمر قال: قال أبو الحسن الرضا (ع) و قد ذهب جلدہ و شعره فأنبت الله عليه شجرة من يقطين فأظلمته، فلما قوى أخذت في اليبس...» [۱۴]
  ۲. «إذ أخرجہ الله من بطن الحوت و ألقاه بظہر الأرض و أنبت عليه شجرة من يقطين و أخرج له عینا من تحتها فكان يأکل من اليقطين» [۱۵]
  ۳. «فاستجاب له و أمر الحوت فلفظته علی ساحل البحر و قد ذهب جلدہ و لحمه و أنبت الله شجرة من يقطين فأظلمته من الشمس فسکن ثم أمر الله الشجرة فتحت عنه» [۱۶]
- پس، یونس (ع) به سبب حضور در شکم ماهی به بیماری دچار شده بود که عبارتند از: ریزش مو، از بین رفتن پوست و تحلیل عضلات بدن و خواصی نیز برای رویش گیاه یقطين بر بالین وی مطرح شده که عبارت است از: جلوگیری از نور آفتاب، دفع حشرات، ملین بودن، سریع الهضم بودن و تسریع کننده هضم.
- پس با استناد به مطالب یاد شده ارتباطی درمانی میان گیاه یقطين با بدن یونس نبی (ع) وجود داشته است که طی بحث به موارد علمی این ارتباط از نظر گیاه‌شناسی توجه خواهد شد.

#### بررسی موقعیت جغرافیایی یونس نبی (ع)

تعیین موقعیت جغرافیایی یونس نبی (ع) نیز به نوعی در تعیین بهتر نوع گیاه مورد نظر، کمک‌رسان است. بدین منظور در روایات و کتاب مقدس اشارتی شده است که در تحلیل ذیل به این موضوع پرداخته می‌شود.

در روایت است که «علی بن ابراهیم، قال: حدثني أبي، عن ابن أبي عمير، عن جميل، قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): ... و قد سأل بعض اليهود أمير المؤمنين (عليه السلام) عن سجن طاف أقطار الأرض بصاحبه، فقال: يا يهودي، أما السجن الذي طاف أقطار الأرض بصاحبه فإنه الحوت الذي حبس يونس في بطنه، و دخل في بحر القلزم (دریای سرخ)، ثم خرج إلى بحر مصر، ثم دخل في بحر طبرستان، ثم دخل في دجلة العوراء (اسم لدجلة البصرة، علم لها. مجمع البلدان ۲: ۴۴۲)... و أمر الحوت أن يلفظه، فلفظه علی ساحل البحر، و قد ذهب جلدہ و لحمه، و أنبت الله عليه شجرة من يقطين - و هي الدباء - فأظلمته عن الشمس، فشكر، ثم أمر الله الشجرة فتحت عنه، و وقعت الشمس عليه...» [۱۳]

در این روایت از امیرالمؤمنین (ع) آمده است آن ماهی که یونس (ع) را در شکم داشت به دریای سرخ، دریای مدیترانه، دریاچه خزر و رودخانه دجله وارده شده است.

همچنین در روایتی دیگر آمده است: «قال علی بن ابراهیم:

سایبانی از درخت کدوئی رویانید برای آنکه پوستش رقیق و بدنش ضعیف و مریض شده بود و چون قوی و سالم گردید...» [۱۰]

شریف لاهیجی نیز آورده است: «... او را به ساحل دریا افکند به زمینی که خالی باشد از درختی که یونس به سایه آن استراحت کند و هُوَ سَقِيمٌ در حالتی که یونس مریض و ضعیف بود زیرا که در شکم ماهی جلدش رقیق و مویش ریخته شده بود چنانچه گویند که مانند جوجه مرغی بود که اصلاً پر نداشته باشد و أَنْبَتْنَا عَلَيْهِ و رویانیدیم بالای سر او شَجَرَةً مِنْ يَقِطِينَ درختی از کدو تا آنکه از سایه برگ های آن یونس خود را از حرارت محفوظ دارد: و أَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقِطِينَ قال الدباء (و یسمى قرعا) [۱۱]

در تفسیر منهج الصادقین نیز آمده است: «... بیافکند بِالْعَرَاءِ به زمین هموار یعنی به صحرائی که خالی بود از درخت و گیاه و کوه و هُوَ سَقِيمٌ و حال آنکه او بیمار بود؛ یعنی ضعیف و نحیف چون طفلی که از مادر متولد شود و پوست او چون گوشت سرخ بود. و أَنْبَتْنَا و برویاندیم عَلَيْهِ بر بالای سر او شَجَرَةً مِنْ يَقِطِينَ درختی از کدو تا به برگ های خود او را سایه کرد و از حرارت آفتاب او را نگهداشت، و در بعضی از تفاسیر آورده‌اند که خاصیت درخت کدو آن است که مگس گرد آن نگردهد، چون حق سبحانه او را به درخت کدو پوشید از آفت ذباب و تاب آفتاب ایمن شد.» [۶]

در من هدی القرآن نیز روایتی در این باب آمده است: «و أَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقِطِينَ لانه ربما كان يحتاج الى الظل كعلاج الى سقمه، قال الامام علی (ع): و أمر الله الحوت ان يلفظه فلفظه علی ساحل البحر، و قد ذهب جلدہ و لحمه، و أنبت الله عليه شجرة من يقطين و هي الدباء، فأظلمته من الشمس؛ درختی از یقطين بر رویش رویانیدیم برای اینکه جهت درمان بیماری اش به سایه نیاز داشت و امام علی (ع) فرمود: و خداوند به ماهی امر فرمود که او را به ساحل دریا بیافکند پس ماهی نیز چنین کرد و در این حالت (یونس) پوست و گوشت بدنش از بین رفته بود و خداوند درختی از یقطين بر کنار بدنش رویانید تا از شدت نور آفتاب در امان باشد و سایه بگیرد.» [۱۲]

در البرهان نیز روایتی آمده که می‌فرماید: قال علی بن ابراهیم: و فی رواية أبي الجارود، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: «... و أنبت الله عليه شجرة من يقطين - و هو القرع - فكان يمصه، و يستظل به و بورقه، و كان تساقط شعره، ورق جلدہ...؛ و خداوند درختی از یقطين بر بالینش رویانید و آن کدوین است پس او آن را می‌مکید، به وسیله آن و برگهایش سایه می‌گرفت، در حالی که موهایش ریخته و پوست بدنش از بین رفته بود.» [۱۳]

همچنین مؤیدات دیگری به این قرار وجود دارد که همان

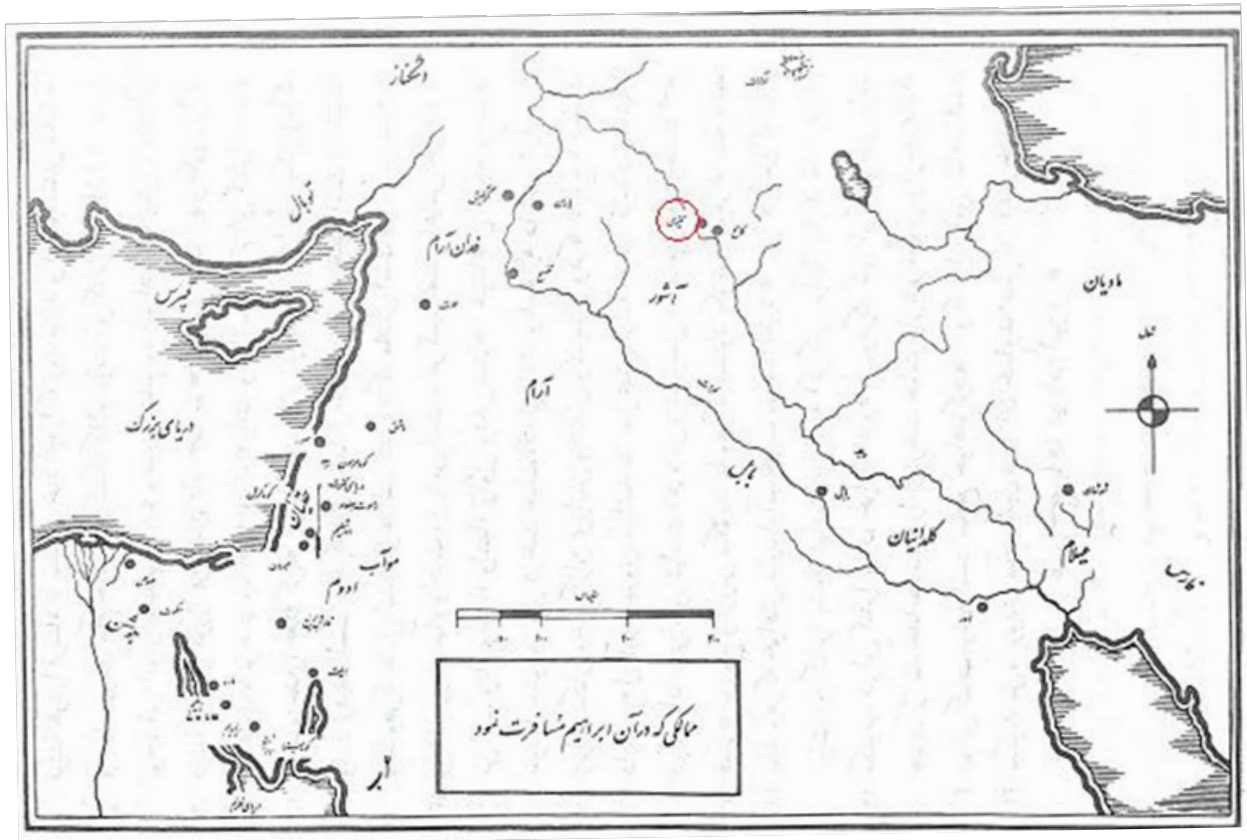
همچنین در کتاب مقدس نیز می‌خوانیم: «و کلام خداوند بر یونس امتای نازل شده گفت: برخیز و به نینوی شهر بزرگ برو و بر آن ندا کن زیرا که...» [۷] البته در کتاب مقدس به سیر حرکتی حضرت یونس(ع) نیز اشاره ای شده است: «اما یونس برخاست تا از حضور خداوند به ترشیش فرار کند و به یافا فرود آمده کشتی یافت که عازم ترشیش بود.» [۷]

با وجود این به دلیل به دریا افتادن یونس(ع) گزینه ترشیش حذف ولی باید شهر یافا را مورد بررسی قرار دهیم که کدام نقطه بوده است؛ زیرا یافا شهری ساحلی است و چون یونس(ع) از نینوی رفته و سپس به آنجا بازگشته قاعدتا در ساحل دریایی که یکی از سواحلش یافا هست به شکم ماهی رفته و مجدداً خارج شده است. نقشه‌های موجود قدیمی نیز گویای این مسئله است:

و فی روایهٔ اَبی الجارود، عن اَبی جعفر (علیه السلام) قال: «... قال: یا یونس، أحرزت لشجرة لم تزرعها، و لم تسقها، و لم تعی بها أن یبست حین استغنیت عنها، و لم تحزن لأهل نینوی، أكثر من مائة ألف أردت أن ینزل علیهم العذاب...» [۱۴] در این روایت نیز به منطقه جغرافیایی نینوی اشاره شده است.

روایتی دیگر نیز آمده است که به منطقه جغرافیایی نینوی اشاره دارد، آنجا که می‌فرماید: «و عن الباقر علیه السلام: ... و لم تحزن لأهل نینوی اکثر من مائة ألف ینزل علیهم العذاب انّ اهل نینوا قد آمنوا و اتقوا فارجع الیهم فانطلق یونس الی قومه فلما دنی من نینوا استحیی ان یدخل فقال لراع لقیه ائت اهل نینوی» [۱۷] و نیز «عبدالله بن عباس گفت: او را پس از حبس به رسالت فرستاد به اهل نینوی...» [۱۸] و از این قرار است:

۱. «وُ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ؛ قِيلَ إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ أَرْسَلَهُ إِلَى أَهْلِ نِينَوَى مِنْ أَرْضِ الْمَوْصِلِ» [۱۹]
۲. «... یعنی بل اَدنی اَرسله اِلی نینوی» [۲۰]



این نقشه مربوط به ممالکی است که حضرت ابراهیم(ع) در آنها مسافرت کرده و منطقه نینوی در همین موقعیت کنونی عراق نامگذاری شده است.



با این توضیح این نکته از منابع یاد شده حاصل می‌شود که یونس نبی(ع) از اهالی نینوی یا همان ارض موصل بوده و سیر حرکتی وی از موصل به یافا بوده است.

آنچه پیش از این عنوان شد داده‌هایی است که در سه بخش از طریق کتب لغت، تفسیر و کتاب مقدس درباره ماجرای یونس نبی(ع) بیان شده است، بطور کلی در این بحث مطالب ارائه شده به بخش‌های جغرافیایی و گیاه‌شناسی و خواص دارویی می‌پردازد؛ اول آنکه در بخش جغرافیا به طور کلی جایگاه حضرت یونس(ع) مشخص شده و به نوعی می‌توان با نقشه‌هایی که در ادامه ارائه می‌شود ساحلی که یونس(ع) داخل آن شده است را مشخص کرد.

همچنین در بخش گیاه‌شناسی این مسئله توسط روایات اثبات شده که یونس(ع) بیمار بوده و حداقل سه بیماری؛ از بین رفتن پوست که نیاز به ترمیم دارد، از بین رفتن گوشت که نیاز به جایگزینی دارد و ریختن مو که نیاز به تقویت برای رشد دارد، اثبات شده است، از سوی دیگر با استناد به روایات و تفاسیر چند خاصیت نیز برای رویش یقطین اثبات شده است که عبارتند از: جلوگیری از نور مستقیم خورشید، دور نمودن مگس.

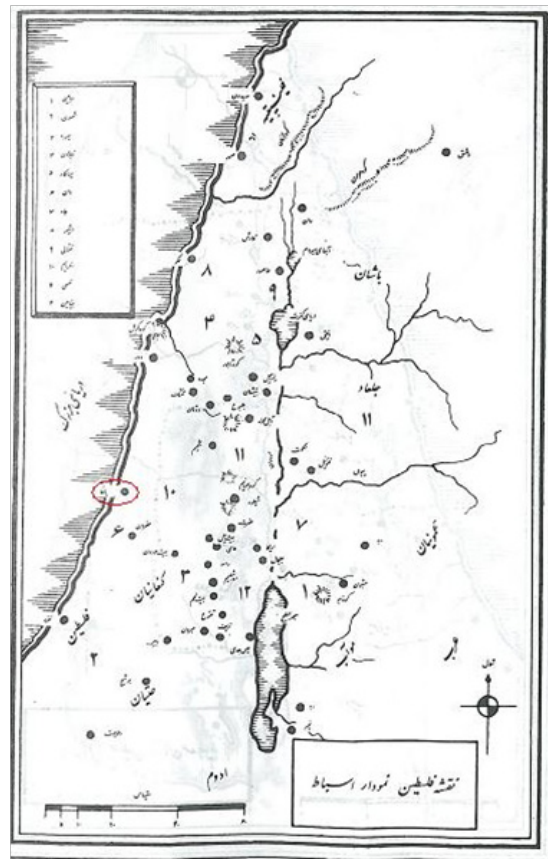
در یک دسته بندی موضوعی از بطن کتب لغت، تفاسیر، روایات و کتاب مقدس نکات ذیل احصاء می‌شود:

۱. یقطین از خانواده کدو بوده
  ۲. اشاره به خاصیت یقطین در دفع حشرات
  ۳. اشاره به منطقه جغرافیایی نینوی، موصل و یافا
- یونس نبی(ع) به سه نوع بیماری مبتلا بوده:
- الف) از بین رفتن پوست  
ب) ریزش مو  
ج) تحلیل رفتن گوشت بدن

ب. بررسی مسیر حرکت یونس(ع) با استناد به داده‌های کتب لغت، تفسیر و کتاب مقدس

با استناد به مطالب فوق حضرت یونس(ع) از منطقه نینوی عازم سفر شده و مجدداً به آنجا بازگشته است پس در این مسئله بحثی نیست؛ زیرا در روایات عنوان شد که ایشان از سرزمین نینوی خارج و مجدداً به سوی قوم خویش بازگشته است. در مطالب قبلی نیز عنوان شده است نینوی در ارض موصل واقع شده است.

در دوران معاصر موصل یکی از شهرهای عراق است که در شمال عراق واقع شده است. برای اثبات این مسئله که موصل حال حاضر که در کشور عراق واقع شده، همان نینوی که در آن زمان معروف بوده می‌باشد به بررسی نقشه‌های معاصر و قدیمی پرداخته و این نتیجه به دست آمد که موصل کنونی که در شمال کشور عراق قرار گرفته



این نقشه فلسطین در نمودار اسباط است که ساحل یافا در آن معین شده است.



این نیز نقشه فلسطین در زمان عهد جدید است که منطقه یافا در آن مشخص شده است.

یونس(ع) در آنها می رود، اما به هر روی بحث افتادن در ساحل برای شخص پیامبر(ع) تنها در یک ساحل ممکن بوده، این توضیح از آن جهت ارائه شد که در روایات به مسئله‌ای اشاره شده است که ماهی یاد شده همچنان که حامل یونس(ع) بود به چند دریا ورود پیدا کرده [۱۳] اما این نکته اشکالی به بحث ما وارد نمی‌کند؛ زیرا در هر صورت خروج از دهان ماهی در یک ساحل واقع شده است و باید با شواهدی که در دست است به محتمل‌ترین گزینه دست یافت.

با توجه به موقعیت جغرافیایی موصل، این شهر در میان پنج دریا و دریاچه واقع شده است که بعد از آگاه شدن به موقعیت هر کدام در روی نقشه، گزینه مورد نظر را با ارائه دلیل و شواهد عنوان می‌کنیم. این تصاویر از روی تصاویر ماهواره ای که در گوگل ارائه می‌شود، تهیه شده است.

است همان نینوی در دوران قبل می‌باشد. از مقایسه بین نقشه‌هایی که در پایان کتاب مقدس ارائه شده با نقشه‌های ماهواره ای جدید این نتیجه به دست آمده است؛ زیرا در نقشه‌های کتاب مقدس دقیقاً منطقه موصل کنونی با عنوان نینوی نام گذاری شده است. مؤید قوی تر نیز پیش از این در روایات بیان شده است که نینوی سرزمینی است در ارض موصل که توضیحات آن گذشت. اهمیت این موضوع در آن است که با تعیین موقعیت سکونت یونس پیامبر(ع) می‌توان ساحلی را که ایشان در آن مستقر شد تعیین نمود و به گزینه صحیح تر نزدیک شد. اما اینکه ساحل مورد نظر کجا بوده است؟ چند گزینه مورد توجه است. موصل در منطقه ای واقع شده است که در تمامی جهات به نوعی به دریا ارتباط می‌یابد؛ دریاچه خزر، خلیج فارس، دریای سرخ (قلزم)، دریای سیاه و دریای مدیترانه، سواحلی هستند که در نگاه نخست احتمال حضور

### دریاچه خزر:



### خلیج فارس:





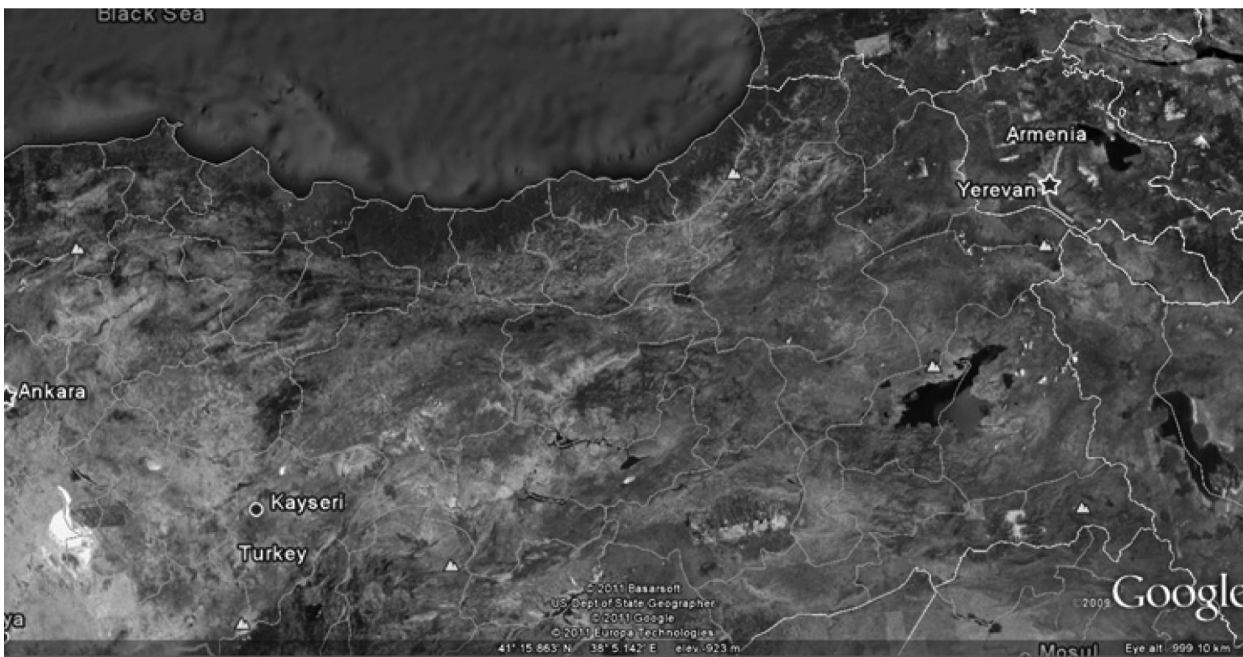
دریای مدیترانه:



دریای سرخ:



دریای سیاه:





کدو Cucurbitaceae می باشد. این گیاهان عبارتند از: کدوی تنبل *Cucurbita maxima*، کدوی حلوایی *Cucurbita moschata*، کدو مسمایی *Lagenaria vulgaris*. Syn: *pepo* و کدوی قلیانی *Lagenaria siceraria*. سه گیاه اول به خاطر اهمیت غذایی و دارویی کشت می گردد. کدوی قلیانی نیز معمولاً در مناطق گرمسیری پراکنش دارد و گیاهی یکساله رونده است و بیشتر به خاطر زینتی بودن کاشته می شود هر چند در برخی کشورها به خصوص شمال آفریقا مصارف دارویی دارد. [۲۱، ۲۲]

در بین محققین مسلمان درباره اینکه واژه «یقطين» اشاره به کدام یک از انواع کدو می باشد اختلافاتی مشاهده می شود. همانطور که عنوان شد در مواردی نیز مشاهده شده که واژه «یقطين» به گیاهی غیر از کدو ترجمه شده است. هر چند برخی از مفسرین و محققین ترجیح داده اند که به جای اشاره به اسم گیاهی خاص، مشخصات رویشی و گیاه شناسی (گیاهی سریع رشد، بالا رونده با برگهای پهن) آن را بیان کنند که این مسئله در توضیحات قبل هویداست. این اختلافات حتی در بین منابع و محققان مسیحی و یهودی نیز مشاهده می شود.

برخی از محققین معتقدند که در ترجمه تورات در طول بیش از ۲۰۰۰ سال در رابطه با گیاهی که حضرت یونس در زیر آن بعد از خروج از شکم نهنگ یا ماهی بسیار بزرگ به استراحت پرداخت، اشتباه رخ داده است. در تورات به زبان عبری برای گیاهی که حضرت یونس(ع) در زیر آن به استراحت پرداخته از کلمه (*Qiqayon*) (*Kikayon*) استفاده کرده است. این واژه از زبان مصریان قدیم (*Kiki*) وارد زبان عبری شده و اشاره به گیاه کرچک *Ricinus communis* از خانواده فریون *Euphorbiaceae* دارد. مترجمین یونانی در قرون سوم تا اول قبل از میلاد مسیح هنگام ترجمه تورات از زبان عبری به یونانی، کلمه عبری *Qiqayon* به خاطر شباهت صوت به کلمه یونانی *Kolokynthi* به معنی هندوانه ابوجهل یا حنظل *Citrullus colocynthis* از خانواده کدو ترجمه کردند. دیسکورید پزشک و گیاه شناس یونانی در کتاب *Materia medica* به آن اشاره کرده است. هنگام ترجمه این گیاه از زبان یونانی به لاتین این کلمه به دو گیاه مختلف ترجمه شد. بیشتر مترجمین کلمه یونانی *Kolokynthi* را به واژه لاتین *Cucurbita* کدو ترجمه کردند. در مواردی نیز مشاهده شده که این کلمه به واژه لاتین *Hedera* گیاه عشقه، *Hedera Helix* ترجمه شده است. شاید دلیل این ترجمه این باشد که گیاه عشقه در زبان یونانی *Kissos* نامیده می شود. هنگام ترجمه از لاتین به انگلیسی این

با توجه به آنچه گذشت بهترین گزینه در این میان دریای مدیترانه است که دلایل آن به شرح ذیل عنوان می شود:

۱- با توجه به اینکه یونس(ع) از انبیای بنی اسرائیل به حساب می رود، مسیر تردد این گروه از انبیا غالباً در بین النهرین و منطقه فلسطین بوده است، و شواهد تاریخی همچون مسجد الاقصی، اورشلیم شهر مقدس بنی اسرائیل و... نشان از این امر دارد. پس قاعدتاً یونس(ع) هم پس از دوری از قوم خویش به سمتی حرکت می کند که آشنایی و علقه خاطری نسبت به آنجا وجود داشته باشد.

۲- از سوی دیگر در مطالب فوق به دو منطقه «یافا» و «ترشیش» اشاره شده است و یافا طبق نقشه های ارائه شده در کتاب مقدس یکی از شهرهای ساحلی مدیترانه بوده است، این نیز خود قرینه ای است که مسیر حرکت یونس پیامبر(ع) به سمت مدیترانه بوده است.

۳- از طرفی در روایت آمده است: «...و قد سأل بعض الیهود أمير المؤمنين (عليه السلام) عن سجن طاف أقطار الأرض بصاحبه، فقال: يا يهودی، أما السجن الذی طاف أقطار الأرض بصاحبه فإنه الحوت الذی حبس یونس فی بطنه، و دخل فی بحر القلزم، ثم خرج إلى بحر مصر، ثم دخل فی بحر طبرستان، ثم دخل فی دجلة العوراء، ثم مرت به تحت الأرض حتی لحقت بقارون...» [۱۳] آنچه به عنوان مؤید از این روایت استفاده می شود این است که سر انجام نیز حرکت این ماهی به منطقه مصر ختم می شود؛ زیرا به داستان قارون اشاره می کند، و مصر نیز به دو ساحل دریای سرخ و مدیترانه مرتبط است که با توجه به دو دلیل فوق گزینه دریای مدیترانه را نیز در این بخش بر می گزینیم، زیرا در روایت فوق عبارت «بحر مصر» به دریای مدیترانه اشاره دارد؛ زیرا دریای سرخ با «بحر القلزم» عنوان شده است.

۴- نزدیک بودن دریای مدیترانه نسبت به دیگر دریاها بجز دریاچه خزر دلیل دیگر این انتخاب است.

ج. «یقطين» در علم گیاه شناسی:

همانطور که در بخش بررسی معنای واژه یقطين عنوان شد، بیشتر موارد استعمال یقطين برای کدو بوده و این تحقیق نیز اصل را کدو قرار داده و در بررسی خود در پی کشف نوع و خواص درمانی دارویی این گیاه است که شرح آن در ادامه خواهد آمد.

خانواده کدو که حدود ۱۲۰ جنس و حدود ۷۳۵ گونه دارد گیاهانی هستند که در سرتاسر کره زمین عمدتاً در مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری رویش دارند. واژه کدو برای چندین گیاه مختلف به کار برده می شود که از نظر گیاه شناسی متعلق به دو جنس گیاهی از خانواده

تفاوت در ترجمه پیچیده تر و بیشتر شد.

در ترجمه های قدیمی تر، این گیاه کدو *Gourd* یا عشقه *Ivy* ترجمه شد. در ترجمه های جدیدتر اشاره ای به اسم گیاه نشده و فقط از کلمه گیاه (*Plant*) استفاده شده است و نهایتاً در جدیدترین ترجمه ها به درخت مو (*Vine*) ترجمه شده است. [۲۳] نهایتاً این محققین معتقدند که گیاه مورد نظر کرچک می باشد که با اشتباه در طول زمان های مختلف هنگام ترجمه به گیاهان دیگر ترجمه شده است.

کرچک یکی از گیاهان دارویی است که سابقه استفاده از آن توسط انسان به ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد حضرت مسیح (ع) بر می گردد. کلمه *Ricinus* برگرفته از یک اصطلاح لاتین به معنای «کنه سگی» می باشد. علت این نامگذاری شباهتی بود که لینائوس میان دانه این گیاه و کنه هایی که معمولاً در سگها دیده می شود، مشاهده کرد. گیاهی است علفی که بنا به محل رویش، طول دوره رشد آن متفاوت است به صورتی که در مناطق سرد سیری یک گیاه یکساله بوده ولی در مناطق گرمسیر به صورت چند ساله در آمده و ممکن است از لحاظ حجمی فضای بسیار بزرگی را اشغال کند و به صورت درخت یا درختچه در آید. [۲۴]

مفسرین و مترجمان مسلمان برای «یقطین» ویژگی هایی نظیر علفی یکساله بودن که دارای رشد سریع و فاقد اندام نگهدارنده می باشد، بیان کرده اند و از طرفی چون بر بالارونده بودن این گیاه تأکید می شود در تفاسیر اسلامی، ترجمه «یقطین» به کرچک مورد پذیرش قرار نگرفته است. [۲۵،۲۲]

همانطور که پیش از این هم عنوان شد در زبان عرب برای نامیدن کدو از واژه «قرع» استفاده می شود و یقطین علاوه بر اینکه برای گیاه کدو استفاده شده برای گیاهان دیگری که تا حدودی از نظر فرم رویشی و گیاهشناسی به کدو شبیه بودند نیز استفاده شده است. [۲۶] بنابر این به نظر می رسد که یقطین بیش از آنکه به طور مشخص اشاره به گیاه خاصی باشد بیان کننده ویژگی گیاه است که لازم است بر اساس این ویژگی ها به گیاه مورد اشاره قرآن کریم پی برد.

در قریب به اتفاق تفاسیر قرآن همانطور که پیشتر عنوان شد «یقطین» را کدو معنی کرده اند و در مواردی نیز صرفاً به ویژگی مهم آن یعنی بالارونده بودن تأکید کرده و اسم گیاه خاصی آورده نشده است.

از بین تمامی انواع گیاهانی که اصطلاحاً کدو نامیده می شوند و محققین مسلمان به عنوان «یقطین» در نظر گرفته اند، گونه گیاهی *Lagenaria siceraria* که در فارسی کدو قلیانی نامیده می شود، بیشتر از سایر انواع

کدوئیان ویژگی های مورد اشاره برای «یقطین» را دارا می باشد. همچنین به این گیاه بیش از سایر گیاهان به عنوان «یقطین» در منابع اسلامی اشاره شده است. [۲۵،۲۷]

*Lagenaria siceraria* گیاهی علفی و محکم است که دارای ساقه های بالارونده و خوابیده روی زمین می باشد. این گیاه سریع رشد بوده و دارای برگهای پهن که تا ارتفاع ۵ متر رشد می کند. منشأ این گیاه آفریقا است و در مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری رشد می کند. با عقب نشینی یخ های قطبی حدود ۱۰ هزار سال قبل، این گیاه وارد آسیا و اروپا - احتمالاً با کمک انسان - گردید. همچنین بذرهایی آن می تواند ماه ها بدون آنکه زنده مانده خود را از دست دهد، روی آب شناور بماند. [۲۸]

از اولین گیاهانی است که توسط بشر کشت شده، البته در مرحله اول نه برای تغذیه بلکه به خاطر میوه آن که به عنوان ابزاری برای نگهداری آب استفاده می شد، مورد توجه قرار گرفت. این گیاه از جمله گیاهانی است که پراکنش گسترده ای در سرتاسر کره زمین دارد که از حدود ۲ تا ۳ هزار سال قبل از میلاد مسیح به خوبی در کشورهای حوزه مدیترانه به خوبی شناخته شده و از آن استفاده می کردند. [۲۹]

انواع کدوئیان سرشار از مواد قندی، ویتامین های A و B، آهن و کلسیم است. کدو تحریک کننده نیست. همچنین زودهضم، آرامبخش، مرطوب کننده، نرم کننده و افزایش دهنده ادرار است. مایعات قابل دفع را دفع می نماید، تمیز کننده سینه، مجاری تنفسی و مجرای ادرار است. برای درمان التهاب مجاری ادرار، بواسیر، مشکلات گوارشی، التهابات روده، ضعف اندام ها، یبوست و گرفتگی مجاری ادراری مفید است. همچنین مصرف کدو برای افرادی که به بیماری های قلبی، بی خوابی و قند خون مبتلا هستند، بسیار مفید است. [۳۰]

با توجه به خواص دارویی کدو و بیماری های عارض شده بر یونس (ع) به این نتیجه می رسیم که گیاه یاد شده از خانواده کدو بوده و دلایلی که بر این ادعا می باشد عبارتند از:

۱- بیماری پوستی حضرت یونس (ع): همیشه یکی از تجویزهای پزشکی برای بیماران پوستی پرهیز از غذاهایی است که موجب تحریکات پوستی می شود برای نمونه بادمجان و فلفل از جمله موادی هستند که استعمال آنها در افراد سبب تحریک پوست می شود پس خاصیت ضد تحریکی کدو خود دلیلی بر این دعاست.

۲- تحلیل رفتن عضلات حضرت یونس (ع): یکی از خواص کدو التیام ضعف عضلات عنوان شده است. البته در طی این مقاله در یک مورد به تناول میوه این گیاه توسط یونس (ع) اشاره شده است که با توجه به این خاصیت، دور از ذهن هم نیست.

بسیار زیادی برای جذب انواع میکروبه‌ها در بدن ایشان وجود داشت، پس می‌بایست یک بازدارند قوی ایجاد شود تا انتقال بیماری صورت نپذیرد و گیاه یاد شده بهترین مورد برای انجام این مأموریت است. البته توجه به اینکه نکته ضروری است که حفظ ایشان برای خداوند متعال بدون چنین گیاهی هم حتمی بود، اما از آنجا که قرآن کریم در قالب همین داستان‌ها در امور مادی نیز برای انسان‌ها پیام دارد چنین صحنه‌هایی را ایجاد می‌کند تا بشر با دریافت خواص داروی - درمانی چنین گیاهانی روز به روز بر معلومات خود و کیفیت زندگی اش بیافزاید.

### نتیجه

آنچه که این تحقیق - با توجه به داده‌هایی که در کتب لغت، تفسیر و حدیث بوده است - به آن دست یافته است عبارت است از:

- ۱- ارائه معنایی دقیق از واژه یقطین که نوعی کدو به نام کدوی قلیانی است.
- ۲- اثبات قوی‌ترین احتمال در موقعیت جغرافیایی یونس(ع) که دریای مدیترانه است.
- ۳- تعیین نوع بیماری یونس(ع) که عبارتند از: تحلیل عضلات، ریزش مو و از بین رفتن پوست
- ۴- بیان موارد درمانی گیاه یقطین بر بدن یونس نبی(ع) و اثبات خواص دارویی کدو بر بدن یونس(ع) خصوصاً خاصیت دفع‌کنندگی حشرات و وجود نوعی سم در این گیاه

### منابع

#### قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، نوبت سوم، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ قمری
۲. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، انتشارات اسلامی، بی‌جا، بی‌تا
۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰
۴. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، نوبت سوم، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵
۵. گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، نوبت دوم، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ ق
۶. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳۶
۷. کتاب مقدس، مترجم انجمن کتاب مقدس، چاپ دوم، ایران، ۱۹۸۷
۸. رمزی مفتاح، احیاءالتذکره فی النباتات الطیبه و المفردات

۳- اختلال در سیستم تنفسی یونس نبی(ع)؛ با توجه به اینکه یونس پیامبر(ع) با استناد به مطالب یاد شده حداقل ۳ روز در شکم ماهی بوده است محیط شکم ماهی اسیده‌ها، آنزیم‌ها و گازهای درون بدن ماهی قابلیت ایجاد اختلال در دستگاه تنفسی ایشان را داشته است در نتیجه یکی از خواص کدو تمییز کنندگی سینه و مجاری تنفسی است.

۴- سوء هاضمه یونس(ع)؛ همچنین در شکم ماهی قرار گرفتن سبب شد تا ایشان چند روزی را از تغذیه - آب و غذا - محروم باشد که خود این قضیه سبب ایجاد اختلال در سیستم گوارش بدن می‌شود و می‌بینیم که عمده خاصیت کدو به سیستم گوارشی باز می‌گردد.

تمام موارد یاد شده دلیل بر این است که گیاه مورد نظر از خانواده کدو می‌باشد، اما چرا این گیاه کدوی قلیانی است. یک خاصیت ممتاز و ویژه در این گیاه است و آن هم دفع‌کنندگی حشرات است که تأثیر زیادی در بهبود بیماری یونس(ع) داشته است.

همانطور که در روایات اشاره شده، در علوم تجربی نیز اثبات شده است که این گیاه خاصیت دفع‌کنندگی حشرات را داراست و قرار گرفتن یونس(ع) در زیر سایه *L. siceraria* به دلیل این خاصیت دفع‌کنندگی حشرات است که در این گیاه وجود دارد. حضرت یونس(ع) به خاطر توقف در شکم ماهی پوست تنش آن قدر نازک و حساس شده بود که از نشستن حشرات بر آن رنج می‌برد، او اندام خود را با این گیاه پوشانید تا هم از سوزش آفتاب در امان باشد و هم از حشرات در امان باشد. این گیاه علاوه بر اینکه برگ‌های پهن و پرآبی دارد که می‌توان از آن سایبان خوبی تهیه کرد به علت داشتن ترکیب شیمیایی Cucurbitacin خاصیت دفع‌کنندگی حشرات را نیز دارد. [۳۱]

گیاهان خانواده کدو دارای دسته ترکیبات بیوشیمیایی به نام cucurbitacin هستند، که تاکنون ۱۹ نوع مختلف از آنها شناسایی شده‌اند. البته این ترکیبات به مقدار بسیار کم در برخی دیگر از گیاهان مشاهده شده است. این ترکیبات از نظر شیمیایی جزو استروئیدها هستند Cucurbitacin ترکیب سمی برای برخی از حیوانات هستند و همچنین مزه بسیار تلخی دارند که باعث می‌شود گیاه کدو توسط علفخواری محافظت شود. همچنین این ترکیب به علت شباهت ساختاری به هورمونهای پوست اندازی حشرات باعث اختلال در پوست اندازی آنها می‌شود و خاصیت دفع‌کنندگی حشرات از خود نشان می‌دهد. همچنین این ترکیبات برای برخی از حشرات سمیت داشته و به سرعت آنها را می‌کشد. [۳۲]

همچنین یکی از انواع ناقلها در بیماری، حشرات هستند و از آنجایی که پوست بدن یونس(ع) از بین رفته بود آمادگی



۲۴. علیرضالو، ابوالفضل، اثر اقلیم بر خصوصیات مورفولوژیکی، فیزیولوژیکی و فیتوشیمیایی گیاه دارویی کرچک، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد علوم باغبانی گرایش گیاهان دارویی، ادویه ای و نوشابه ای، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۸۸

۲۵. نمائی، احمد، گیاهان در قرآن، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۹

۲۶. قهرمان، احمد- اخوت، احمدرضا، تطبیق نام های کهن گیاهان دارویی با نام های علمی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳

27. Marwat S.K, Ajabkhan M, Aslm Khan A, Rahman M, Zafar M. Vegetable mentioned in holy quean and ahadith and their ethnomedicinal studies. Pakistan Journal of Nutrition: ۲۰۰۹: ۸(۵): ۵۳۰-۵۳۸.

28. Decker Walters DS, Wilkins Ellert M, Chung SM, Staub J.E. Discovery and genetic assessment of wild bottle gourd [Lagenaria siceraria (Mol.) Standley, Cucurbitaceae] from Zimbabwe. Economic Botany: ۲۰۰۴: ۵۸: ۵۰۱-۵۰۸.

29. Kefalidou E. Phormiskoi-gourd-shaped terracottas from the Ancient Mediterranean. Cucurbit Network News: ۲۰۰۳: Spring: ۷.

۳۰. زرگر، علی، گیاهان دارویی، ج ۴، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲

31. Bisognin D.A. Origin and evolution of cultivated cucurbits. Cienc Rural. ۲۰۰۲: 32(۴): ۷۱۵-۷۲۳

۳۲. Rui Lin Nie, Geoffrey A. Cordell and Samuel X. Qiu (۲۰۰۵), «Cucurbitacins and cucurbitaneglycosides: structures and biological activities» Natural Product Reports, volume ۲۲, pages ۳۸۶-۳۹۹

العطاریه، بی نا، بی جا، بی تا

۹. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، نوبت اول، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۲۴ قمری

۱۰. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید نوبت سوم، انتشارات برهان مکان، تهران، ۱۳۹۸ ق

۱۱. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، نوبت اول، دفتر نشر داد مکان، تهران، ۱۳۷۳

۱۲. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، نوبت اول، دار محبی الحسین (ع)، تهران، ۱۴۱۹ ق

۱۳. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، نوبت اول، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ ق

۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیر العیاشی، بی نا، بی جا، بی تا

۱۵. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق

۱۶. جزائری، نعمت الله، قصص الأنبياء، نوبت اول، حبیب، ۱۴۲۴ ق

۱۷. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، نوبت دوم، انتشارات الصدر، تهران، ۱۴۱۵ ق

۱۸. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ قمری

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، نوبت سوم، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲

۲۰. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، نوبت اول، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۳ ق

۲۱. مظفریان، ولی الله، رده بندی گیاهی، جلد دوم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۹

۲۲. مظفریان، ولی الله، فرهنگ نامهای گیاهان ایران، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۶

23. Janick J, and Paris H.S. Jonah and the «gourd» at Nineveh: Consequences of a classic mistranslation. Cucurbitaceae: ۲۰۰۶: ۳۴۹-۳۵۷.